

به نام خدا

اسطوره‌ی سیمرغ

مؤلف:

لیلا رحمانی

سرشناسه	: رحمانی، لیلا، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: اسطوره‌ی سیمرغ/مولف لیلا رحمانی.
مشخصات نشر	: تهران : هوشمند تدبیر: مؤسسه پارسا مبتکر گام اول، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۸ص: ۱۷×۲۴س.م.
شابک	: ۸۷۵۰۰ ریال: 978-600-7274-35-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۳۵ - ۱۳۸]
موضوع	: سیمرغ (اساطیر ایرانی)
موضوع	: اسطوره در ادبیات
موضوع	: بیات عرفانی -- تاریخ و نقد
رده بندی کنگره	: PIR ۳۴۴۲/س۹ ۳/۱۳۹۳
رده بندی دیویی	: ۹۲۴/۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۱۳۱

عنوان کتاب	: اسطوره‌ی سیمرغ
تالیف و گردآوری	: لیلا رحمانی
ناشر	: هوشمند تدبیر (پارسا) مؤسسه پارسا مبتکر گام اول
مدیر مسئول	: محمد قجر
مدیر اجرایی	: محمد صدیق سپهری نیا
صفحه آرا	: فاطمه ماهر
طراح جلد	: محمد کامور
سال و نوبت چاپ	: پاییز ۱۳۹۳ / اول
شمارگان	: ۵۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۷۴-۳۵-۴
قیمت	: ۸۷۵۰۰ ریال
آدرس دفتر نشر	: آریاشهر- بلوار آیت الله کاشانی، بلوار شقایق شمالی، کوچه ۲۴، روبرو، پلاک ۲۴ واحد ۶
آدرس دفتر مؤسسه	: میدان انقلاب، ضلع شمال غرب میدان، جنب بانک رفاه، پلاک ۹، طبقه ۲، واحد شرقی
تلفن	: ۰۲۱-۶۶۹۲۳۲۱۴
وبسایت	: www.parsamega.ir

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	پیشگفتار
۱۱	فصل اول: اسطوره چیست؟
۱۳	معنا و چیستی اسطوره
۱۴	تعریف اسطوره
۱۶	معنای لغوی اسطوره
۱۸	طرح کلی تاریخ ایران
۱۹	منابع اسطوره‌ها
۲۰	طبیعت اسطوره
۲۱	تصویر عالم: (اساطیر ایران باستان)
۲۵	فصل دوم: سیمرغ در اوستا
۲۷	معرفی اوستا
۳۰	رشن راست: (رشن یشته)
۳۳	کوه البرز (جایگاه سیمرغ)
۳۴	کوه قاف
۳۵	دریای فراخکرت
۳۷	تیشترته (تیشتر)
۳۸	درخت گویکرن
۳۹	درخت بس تخمه یا همه تخمه
۳۹	درخت هوم سپید
۴۱	فصل سوم: سیمرغ در شاهنامه
۴۵	سیمرغ اهریمنی
۴۶	هفت خوان اسفندیار
۴۶	خوان پنجم: (کشتن اسفندیار سیمرغ را)
۵۴	زال، پسر سام و رودابه، دختر مهرباب
۵۶	رستم به دنیا می‌آید

۵۷.....	سیندخت
۵۷.....	زال:
۵۹.....	دست پروردهٔ سیمرغ
۶۳.....	بینش سیمرغ
۶۵.....	فصل چهارم: سیمرغ در داستان رستم و اسفندیار
۶۷.....	رستم مهری است
۶۸.....	درخت گز
۶۸.....	مرام گزپرست
۶۹.....	آب
۷۰.....	بنیادین
۸۵.....	فصل پنجم: سیمرغ در عرفان
۸۷.....	سیمرغ و جبرئیل
۹۰.....	سیمرغ انگام‌سار
۹۲.....	سیمرغ از نظر بهروردی
۱۰۱.....	سیمرغ در منطق
۱۰۱.....	سیمرغ در قصص انبیا
۱۰۳.....	فصل ششم: سیمرغ در فرهنگ‌های چینی
۱۰۶.....	افسانه‌های تولد زال و رستم
۱۰۹.....	سیمرغ و مرغ رخ
۱۰۹.....	سیمرغ و وارغن
۱۱۳.....	فصل هفتم: سیمرغ در پزشکی
۱۱۶.....	تاریخ پزشکی در ایران باستان
۱۱۹.....	پزشکان مشهور ایران باستان
۱۲۱.....	فصل هشتم: سیمرغ در فرهنگ‌نامه‌ها
۱۲۵.....	سیمرغ simory
۱۲۶.....	سیمرغ (۲) simory
۱۲۹.....	فصل نهم: سیمرغ در اشعار شاعران پارسی
۱۳۵.....	منابع و مآخذ

مقدمه:

«بجز از عشق که اسباب سرافرازی بود هر چه دیدم و شنیدم همه‌اش بازی بود»

زمین می‌چرخد، زمان می‌گذرد، خورشید فروزان پیوسته به نورافشانی است تا رویش گیاه سرسبز و به بارنشستن درخت، شکوفائی دل‌انگیز غنچه، خنده گل، زایش پررمز و راز هر آنچه که پستاندار است و یا به سربرآوردن بهت‌آمیز جوجه‌ها از تخم، کماکان ادامه باید.

«خداوند کیهان و گردان سپهر فروزنده‌ی ماه و ناهید و مهر»

قوانین طبیعت که اساس هستی را دربر دارد هرگز فرسوده و کهنه نمی‌شود، چراکه آفریدگار هستی بخش مهر پرور با شور عشق و عاشقی، خود سرآغاز زندگی است. در این هستی و هستندگی ظاهر مردمان و زنان بزرگ یک ضرورت است تا با شور و شوق فراوان و دنیائی از عشق و دلدادگی بکوشند و فراتر از غارنشینی و مدنیت و از تاریکیهای جهل و فقر و ناراستی و ددمنشی به جهان روشن و سرشار از توانائی و راستی رهنمون گردند. وجود گهربار این بزرگواران که به سهم خود از آفرینندگان جهان نو می‌باشند هدیه‌ای است از جانب خداوند رحمان و رحیم.

پیامبران، اندیشمندان، دانشوران، خردورزان و بندگان نشانه‌هایی از لطف و مرحمت آفرینش هستند تا انسان ظلوم و جهول را به مقام والای انسانیت ارتقاء دهند. حکیم فرزانه، متفکر آزاده استاد ابوالقاسم فردوسی از تیپ همان آیاتی است که در برپایندگی آنان می‌باشد. او دلدادگی درد آشنایی است که در آن روزهای سخت و محنت‌بار با زندگی بی‌تام و تمام و به یاری اندیشه‌ی بلند آفریننده‌اش یک تنه در نبرد با دو قوم عرب و ترک دراندا که اولی از گم‌اشنگان دستگاه مخوف عباسی و دومی از غلامان سلطنت محمود غزنوی بودند، جدا تحمل شداید و خطرات عدیده در مقابل عصبیتهای قومی آنان ایستاد و به سرودن داستانهای منظم که یادآور فرّ و شکوه ایرانیان در گذشته بوده است پرداخت و کوشید تا هموطنان گرامی در این مسارت و حقارت و فلاکت را جسمی و روحی تقویت نموده، سرزنده و سرپا نگهدارد و بدین وسیله حافظ فرهنگ ملی و پاسدار تمدن و زبان پارسی باشد.

شاهنامه فردوسی به حق تجلی‌گر روح ملی ایران و ایرانی است و هنوز هم با گذشت هزار سال چنان استوار و پایرجاست که از گزند باد و باران و آفتاب در هزاران سال پسین نیز مصون و محفوظ خواهد ماند.

«پی افکندم از نظم کساخی بلند
 بسی رنج بردم در این سی سال
 کجا خفته‌ای ای بلند آفتاب
 برون آی و بر فرق گردون بتاب
 نه اندر خور توسست روی زمین
 ز جیمیز و بر چشم دوران نشین
 ز شهنشاه گیتی پرآوازه است
 جهان کهن کرد و خود تازه است
 تو گفتی جهان منم چون بهشت
 ازین بیش نمی‌بخش کس نکشت
 ز جا خیز و بنگر که آن خم پاک
 چه گلها دمیده‌ست از طغیان خاک

بزرگان پیشینه‌ی بسی‌نشان
 ز تسو زنده شد نام دیرنشان
 تو در جام جمشید کردی شراب
 تو ز تخن تخت کاووس بستی عقاب
 از آناه ز آهن یکی توده بود
 جهان را به سوهان خود سوده بود
 تو آن را به دادی آن نسام را
 زدودی از او زنده گشت ای نسام را
 تهمتن نمک خور خان تو بود
 به هر هفت خون من تو بود
 تویی دودمان سخن را پدر
 به تو باز گردد نژاد هنر

شعر از: حسین مسرور

(راز الهام، ص ۵۵-۵۶)

لیلا رحمانی - پاییز ۱۳۹۳

پیشگفتار

یکی از رازناک‌ترین پدیده‌های عالم هستی که از دیرباز ذهن کنجکاو آدمی را به خود مشغول داشته است آرزوی دستیابی به راز و رمزهای اسطوره است زیرا باورها و آیین‌های هر ملتی به مانند درختی تنومند، ریشه در اسطوره دارد و میوه آنها در ادبیات و هنر آن ملت بروز و ظهور می‌یابد و اینجاست که اهمیت اسطوره آشکار می‌گردد. سابقه‌ی حضور این مرغ اساطیری در فرهنگ ایرانی به پیش از اسلام می‌رسد. بعد از اسلام هم در حماسه‌های بهلوانی و هم در آثار عرفانی حضور می‌یابد. سیمرغ در شاهنامه فردوسی دو چهره متفاوت یزدانی (در داستان زال) و اهریمنی (در هفت خوان اسفندیار) دارد. زیر همه وجودات ماوراء طبیعت نزد ثنویان (دوگانه پرستان) دوقلوی متضاد هستند. اگرچه در شاهنامه سیمرغ به مثابه‌ی موجودی مادی تصویر می‌شود، اما صفات و خصوصیات کاملاً فوق طبیعی دارد. ارتباط او با این جهان تنها از طریق زال است. به یکی از امشاپسندان (ایزدان یا فرشتگان) می‌ماند که ارتباط گهگاهش با این جهان، دلیل تعلق آنها با جهان مادی نیست.

سیمرغ در دیگر متون اساطیری فارسی هم چون «گرشاسب‌نامه» چهره‌ای روحانی و مابعدالطبیعی ندارد. اصولاً جز در قسمت اسطوره شاهنامه، بعد از اسلام ما متن اساطیری به معنای حقیقی نداریم. به همین سبب است که سیمرغ تنها با شخصیت و ظرفیت بالقوه تأویل‌پذیری اسطوره‌ایش که در شاهنامه ظاهر می‌شود، به آثار منظوم و نثری عربی فارسی راه می‌یابد و از طریق شخصیت رمزی خود در عناصر فرهنگ اسلامی جذب می‌گردد.

پس از شاهنامه فردوسی، کتب دیگری نیز در ادبیات فارسی هستند که در آنها ذکری از سیمرغ و خصوصیاتش آمده است. از جمله آنها کتب و رسالات زیر را می‌توان شمرد:

رساله الطیر ابن سینا، ترجمه رساله الطیر ابن سینا توسط شهاب‌الدین بهروردی، رساله الطیر احمد غزالی، روضه الفریقین ابوالرجاء چاچی، تزهت‌نامه علایی (نخستین دائرة المعارف به زبان فارسی)، بحر الفوائد (متنی قدیمی از قرن ۶ که در قرن ۴ و ۵ شکل گرفته و در سیمرغ در قرن ۶ در سرزمین شام تألیف شده است) و منطق الطیر عطار. هر مرغ به عنوان نماد دست‌نشان خالص از انسانها تصویر می‌شود.

در این کتاب، سیر حیات سیمرغ در اساطیر و فرهنگ ایران مورد بررسی قرار گرفته است که امید است مقبول و مورد استفاده‌ی همگان واقع گردد. در پایان از زحمات تمام عزیزانی که اینجانب را یاری کردند بی‌نهایت سپاسگزارم.

لیلا رحمانی

پاییز ۱۳۹۳